

و شماره نامه

رمضان - شماره بیست و هشتم



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی

بیماری «منیت» و درمان آن از منظر قرآن کریم

اشاره:

یکی از بزرگ‌ترین بیماری‌های روحی‌ای که همه انسان‌ها ممکن است به آن دچار شوند، «منیت» است. این بیماری «خودخواهی» و «خودپرستی» است. این بیماری روحی اگر در وجود کسی ریشه بدواند، تا نابودی دنیا و آخرت فرد پیش می‌رود. از این رو بسیار شایسته است پس از شناخت این بیماری، راه درمان آن را از زبان کسی که از بزرگ‌ترین سالکان قرن حاضر بود جویا شویم.

در این مقاله پس از بررسی چیستی این بیماری، به سه نماد از مهم‌ترین بیماران منیت یعنی شیطان، قارون و فرعون و سرگذشت آنان اشاره می‌کنیم و در ادامه راه‌های مبارزه با «منیت» را از منظر قرآن بنیان امام خمینی (ره) یادآوری خواهیم کرد.

۱. مفهوم منیت

منیت مصدر جعلی است و از دو بخش تشکیل شده است. یکی واژه فارسی «من» و دیگری پسوند «یت». این واژه در لغت به معنای خودبینی، خودخواهی، خودستایی، نخوت، غرور و لاف زدن است. (۱) گاهی نیز با واژه «منم منم کردن»، یا «منی» از منیت یاد می‌شود. چنانکه ناصر خسرو گوید:

حجت تو منی را ز سر خویش به در کن
بنگر به عقابی که منی کرد و چه‌ها خاست

۲. منیت ارث شیطان

امام خمینی «منیت» را ارث شیطان می‌داند. ایشان ضمن اشاره به داستان حضرت آدم علیه السلام و حوا و

گفتگوهایی که بین خداوند، فرشتگان و شیطان رخ داد؛ بر این نکته تأکید می‌کند که داستان حضرت آدم علیه السلام بسیار آموزنده است و اگر انسان به خوبی رموز آن را درک و به دستورات قرآن عمل کند، همه مشکلات او حل خواهند شد. امام خمینی با اشاره به داستان آفرینش و سخنان اعتراض‌گونه فرشتگان نسبت به آفرینش حضرت آدم و سرانجام آنان به داستان ابلیس اشاره می‌کند و می‌گوید:

«بعد از اینکه خلق می‌کند آدم را، امر می‌کند که سجده کنند، «ملائکه الله» همه سجده می‌کنند، لکن ابلیس نمی‌کند. نکته اینکه ابلیس نمی‌کند، این است که خودبین است. می‌گوید: خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ؛ (۲) من از آتش خلق شدم، او از خاک خلق شده است؛ او پست‌تر از من است، من بالاتر از او هستم. آن هم جنبه خودبینی دارد و روی این زمینه سجده نمی‌کند و مطرود می‌شود.» (۳)

امام امت سپس در باره مهلت گرفتن ابلیس می‌فرماید: «ما از اینجا می‌فهمیم که قضیه خودبینی، ارث شیطان است، از صدر عالم این قضیه بوده است. وقتی هم که وسوسه می‌کند به آدم، باز آدم را اغوا می‌کند. این یک تعلیم عمومی است که از قبل از خلقت آدم تا حالا باید برای ما عبرت باشد؛ بدانیم که ارث شیطان، خودبینی است. تمام فسادهایی که در عالم واقع می‌شود، چه فسادها از افراد و چه فسادها از حکومت‌ها و چه در اجتماع، تمام فسادها زیر سر همین ارث شیطان است. و تمام مفسده‌هایی که در عالم پیدا می‌شود، از این بیماری خودبینی است. چه در کنج خانه کسی نشسته باشد و به عبادت مشغول باشد، اگر خودبینی بکند، ارث شیطان را دارد

کشیدیم، در حالی که هیچ کس نمی توانست در برابر فرمان الهی به یاری او برخیزد.» (۸)

این آیات برای ما بسیار درس آموزند. کسی که از اقوام نزدیک حضرت موسی، از دانشمندان، قاریان و خوبان بود، وقتی در سیاهچاله منیت و خود بزرگ بینی افتاد؛ دنیا و آخرتش نابود شد. جالب آنکه هنگامی که آگاهان بنی اسرائیل به او نصیحت کردند که مال و ثروت عظیم خویش را ابزاری برای سعادت خود و جامعه ای که در آن زندگی می کنی قرار بده، او با غرور و تکبر مخصوص به خود، ندای «منیت» سر داد و گفت: «این ثروت عظیم را به وسیله علم و دانش (و لیاقت و کاردانی ام) به دست آورده ام!» (قَالَ أَنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي)

و سرانجام همین «منم منم»، خود بزرگ بینی و غرور او را به وادی هولناک انکار آیات الهی و ادامه فساد و ظلم و همکاری با دشمنان حق و عدالت کشانید، و در یک حادثه عجیب، او و تمام اموالش در کام زمین فرو رفت.

۴. فرعون، غرق در منیت فرعون یکی دیگر از نمادهای منیت است که قرآن کریم از او سخن گفته و بررسی سرگذشت او بسیار درس آموز است. کار منیت فرعون به جایی رسیده بود که ندای «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» (۹) سر می داد و خودش را «خدای خدایان» معرفی می کرد.

آری طغیانگران خیره سر و مغرور و خود بزرگ بین، هنگامی که بر مرکب غرور و خودخواهی سوار می شوند هیچ حد و مرزی را به رسمیت نمی شناسند و حتی

و چه در جامعه باشد و با مردم تماس داشته باشد، این هم اگر فساد از آن حاصل بشود، از خودخواهی و خود بینی خودش است و چه حکومت هایی که در عالم حکومت می کنند؛ از اولی که حکومت در دنیا تأسیس شده است تا حالا، هر فساد واقع شده از این خصیصه است.» (۴)

۳. قارون، نماد منیت

وی پسر خاله یا پسر عموی حضرت موسی عليه السلام (۵) و در ابتدای امر، اهل عبادت و طاعت بود. شخصی خوش منظر و وجیه و بهترین کس در قرائت تورات بود. (۶) اما این خوی خوش با روی آوردن ثروت دنیا بر او وی سلب شد و جایش را به تکبر و تبختر و منیت بخشید. پس از اینکه بازیچه ثروت دنیا شد، بنای خود بینی و تکبر را گذاشت. (۷) بدین ترتیب، نعمت های الهی، وسیله ای برای گمراهی بیشتر وی شد، در حالی که می توانست وسیله ای در راه تکامل مادی و معنوی او باشد.

قرآن کریم در این باره می فرماید: «قارون از قوم موسی بود که بر آنان ستم کرد و ما آن قدر از گنج ها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای مردان نیرومند نیز دشوار بود. روزی قومش به او گفتند: «این همه شادی مغرورانه نکن که خداوند شادی غرور آمیز را دوست نمی دارد و با نعمت های خدادادی در راه آخرت تلاش کن و در عین حال از بهره های دنیا نیز کناره گیری نکن و همان گونه که خداوند به تو نیکی کرده، تو نیز نیکوکار باش و در زمین فساد نکن که خداوند مفسدان را دوست ندارد.» او در پاسخ گفت: «من این ثروت را با دانش و آگاهی خویش کسب کرده ام.» سرانجام ما او و خانه اش را در زمین فرو

سال ۱۳۵۵ ه. ش شاه را به عنوان «مردی که خطرات ناشی از عقده خودبزرگ بینی او را تهدید می کند»، توصیف کرده بود.» (۱۳)

امروزه ربع پهلوی با مظلوم نمایی سعی می کند خود را مدافع مردم نشان داده و با شعار جمهوری خواهی از مردم می خواهد که با او همراه شوند. گویا او تاریخ زندگی دودمان پهلوی و حتی خودش را فراموش کرده است. زیرا «روحیه فرعونى»، «تفرعن» و خودبزرگ بینی در تمام خانواده پهلوی مشهود بود و مردم نیز آن را فراموش نکرده اند. برای نمونه در زمان حکومت شاه، شخصی را مدتی زندانی کردند و به او جرمش را نگفتند و او بی آنکه بداند برای چه زندانی شده همچنان حیران مانده بود. روزی از سربازی که برایش آب و نان آورده بود، درخواست کرد تا جرمش را به او بگوید. سرباز آهسته گفت: «شما جرم سنگینی مرتکب شده اید و مجازات خواهید شد. اتومبیل شما از اتومبیل ولیعهد سبقت گرفته است.» (۱۴)

در اینجا لازم است نکته ای را فراموش نکنیم و به مسئولان محترم جمهوری اسلامی ایران نیز یاد آوری کنیم و آن این است که درخت انقلاب با خون صدها هزار تن از بهترین مسلمانان آبیاری شده تا ما بتوانیم به اسلام و این مردم خوب خدمت کنیم. بهترین مسئول در جمهوری اسلامی کسی است که «لباس منیت»، خودخواهی و خودبینی را کناری نهد و با جان و دل در خدمت مردم باشد. چنانکه امام امت در این باره می فرماید: «همه ما در مقابل اسلام مسئولیم. این اسلامی که با خون اولیا و بزرگان به دست ما سپرده شده است و الان ما مسئول او هستیم. این اسلام را ما باید به نسل آتیه برسانیم. شما برای این ملت

به ادعای خدایی نیز قانع نیستند، بلکه می خواهند «خدای خدایان» شوند! وقتی سرکشی را به آخرین مرحله می رسانند، مستحق دردناک ترین عذاب می شوند و فرمان الهی فرا می رسد و آنان را در هم می کوبد، چنانکه خداوند در آیه بعد درباره فرعون می فرماید: «خداوند او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار ساخت.» (فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى) (۱۰) «نکال الآخرة» اشاره به عذاب های قیامت است که دامان فرعون و فرعونیان را می گیرد و چون در درجه اول اهمیت است مقدم دانسته شده و منظور از «اولی» عذاب دنیاست که دامان فرعون را گرفت و او و تمام یارانش را در کام خود در دریای نیل فرو برد. (۱۱)

۵. منیت فرعونیان زمان

آنچه گذشت به فرعون زمان بنی اسرائیل اختصاص نداشت. آخرین پادشاه سلسله پهلوی نیز روحیه خودبزرگ بینی عجیبی داشت. در کتاب «سقوط شاه» نوشته فریدون هویدا آمده است: «به گواه نزدیک ترین افراد به محمدرضا پهلوی، دگرگونی روحیه شاه تقریباً از اواخر سال ۱۳۴۹ آغاز شده بود. اما موضوع تغییر و تحول در روحیه شاه بیشتر مربوط به جاه طلبی و غرور بی حد و حصر وی بود. در ایدئولوژی شاهنشاهی، تو گویی شاه قطب عالم امکان است و «عقل کل» به شمار می آید. تفرعن، خودمحوری و خودبزرگ بینی آخرین شاه ایران زمین شاید از ۱۳۴۹ بیش از گذشته تبلور یافته باشد، اما همواره در درون وی این «شاهنشاهی ناپیدا» به منظور پیدایی و ظهور غلیان داشته است.» (۱۲)

در بخش دیگری از کتاب یاد شده می خوانیم توهمات عظمت گرایانه شاه به قدری او را از حقایق دور ساخته بود که حتی سازمان سیا ضمن گزارش محرمانه ای در

روایات نیز خودشناسی را برترین و سودمندترین معارف برشمرده و معرفت نفس را با شناخت پروردگار ملازم دانسته‌اند. پیامبر(ص) در پاسخ به این پرسش که راه شناخت حق چیست، فرمودند: «معرفة النفس.» (۱۹)

از امام علی علیه السلام نیز نقل است: «در شگفتم از کسی که خود را نمی‌شناسد، چگونه پروردگار خود را می‌شناسد؟» (۲۰) خودیابی به خدایابی می‌انجامد؛ زیرا انسان نمی‌تواند خود را جدا از علت و آفریننده خود، به درستی درک کند و بشناسد. علت واقعی هر موجود، مقدم بر وجود او است؛ پس شهودِ خود، هرگز از شهود الهی جدا نیست. کسی که خود و فقر ذاتی خودش را بشناسد، دیگر جایی برای منیت نمی‌یابد. او می‌داند که خودش و دیگر موجودات هیچ هستند و هر چه هست از اوست.

امام امت با توجه به این اصل کلیدی برای درمان منیت می‌فرماید: «دردها دوا نمی‌شود، الا با اینکه این خصیصه شیطانی (منیت) از بین برود. کسی بخواهد درد خودش را شخصاً دوا کند، باید این خصیصه را از بین ببرد؛ باید ریاضت بکشد و خودش را بزرگ حساب نکند؛ نگوید من عالمم، نگوید من خودم مقدس هستم - چنانچه ملائکه می‌گفتند - نگوید من ثروتمندم، نگوید من زاهدم، نگوید من عارفم، نگوید من موحدم.» (۲۱)

۶۲- تزکیه نفس

یکی دیگر از چیزهایی که می‌تواند خودپسندی و خودستایی را از بین ببرد، تزکیه است. امام امت با اشاره به جمله مشهور «العلمُ حجابُ الکبر» می‌گوید: «اگر کسی بخواهد معالجه کند خودش را، باید این

باید کار بکنید. (هر کدام از مسئولان که سستی کنند) در همین دنیا ننگش بر پیشانی همه است. مسئله، مسئله اینجا نیست. مسئله جای دیگری است که ما از آن غافل هستیم. تمام اعمال شما، تمام جدیت‌های شما ثبت است و همه عالم این چیزها را ثبت می‌کند در خودش و ما باید جواب بدهیم.» (۱۵)

از منظر امام امت، مسئول و مدیر خوب کسی است که اجازه ندهد مقام سوار او شود، بلکه او باید سوار مقام بشود و این مهم با مبارزه با نفس حاصل خواهد شد. (۱۶)

۶. راه درمان

از مجموع آنچه گذشت در می‌یابیم که خطر بیماری منیت و خودخواهی بسیار زیاد است و به تعبیر امام امت، همه انسانها به این بیماری یعنی «بیماری منیت و خودخواهی» مبتلا هستند: «انسان تا آن آخر هم خودخواهی اش هست. از این مرض مگر به مدد انبیاء «ع» و به مدد خدای تبارک و تعالی نجات پیدا بکند یا لااقل کم بشود این بیماری در او.» (۱۷)

حال باید ببینیم برای درمان این بیماری مهلک چه راهی وجود دارد. امام امت (ره) برای درمان این درد چند راهکار ارائه می‌کند که در ادامه مرور می‌کنیم.

۶۱- خودشناسی حقیقی

یکی از بهترین راه‌های رسیدن به سعادت، خودشناسی واقعی است. چنانکه قرآن کریم نیز در آیات فراوانی بر خودشناسی تأکید کرده است. قرآن، بر آیه بودن آفرینش انسان تأکید می‌کند و می‌فرماید: «وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ؛ و نیز در آفرینش شما و جنبندگانی که (در سراسر زمین) پراکنده ساخته، نشانه‌هایی است برای جمعیتی که اهل یقینند.» (۱۸)

خداخواهی و خدادوستی منتقل شود.» (۲۳)

۶۴- پندآموزی از سرگذشت خودپسندان قرآن کریم پس از یاد کرد از داستان پیامبران و دیگران، تأکید می‌کند که مردم باید از آن درس بگیرند. برای نمونه پس از یادکرد داستان فرعون، هدف از بیان سرگذشت یاد شده را عبرت‌آموزی می‌داند و در آیه ۲۶ سوره نازعات می‌فرماید: «در این داستان (حضرت موسی علیه السلام و فرعون و پایان عاقبت آن) درس عبرت بزرگی است برای آنها که خدا ترسند: إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى.»

آری کسانی که چشم عبرت بین دارند، با شنیدن و خواندن داستان فرعون به خود می‌آیند و سعی می‌کنند از منیت و خودبزرگی بینی پرهیز کنند. (۲۴) زیرا منیت از بدترین بیماری‌ها و پایین‌ترین حد سقوطی است که یک فرد می‌تواند در آن فرو افتد. فرد عبرت بین باید آن گونه باشد که سنایی می‌گوید:

منتهای بدی منی داند
برتری در فروتنی داند
نخوتش هر چه کم به نیروتر
قدرتش هر چه بیش خوشخوتر

در بررسی سخنان امام امت نیز می‌توان دریافت از نگاه ایشان نیز یکی از راه‌های رهائی از گناه منیت، توجه به سرگذشت افرادی است که در این دام گرفتار آمده‌اند. امام خمینی پس از ذکر اهمیت اخلاص و این نکته که علم به تنهایی نمی‌توان انسان را رستگار کند، می‌گوید: «ملاحظه حال ابلیس کن که چون خودخواهی و خودبینی و خودپسندی در او

خصیصه را به آن توجه بکند و بسیار مشکل است معارضه با این خصیصه. اگر بخواهد کسی تهذیب بشود، با علم تهذیب نمی‌شود؛ علم انسان را تهذیب نمی‌کند. گاهی علم، انسان را به جهنم می‌فرستد؛ گاهی علم توحید انسان را به جهنم می‌فرستد؛ گاهی علم عرفان انسان را به جهنم می‌رساند؛ گاهی علم فقه انسان را به جهنم می‌فرستد؛ گاهی علم اخلاق انسان را به جهنم می‌فرستد. با علم درست نمی‌شود. تزکیه می‌خواهد.» (۲۲)

۶۳- تقویت ایمان

یکی از مهم‌ترین راهکارهای مبارزه به منیت و خودپسندی تقویت ایمان است. شخصی که ایمان قوی دارد، نیک می‌داند که عالم محضر خداست و او نیز همیشه در محضر خدا قرار دارد. کسی که به چنین ایمانی دست یابد، دیگر خود را نمی‌بیند چه رسد به اینکه بخواهد در گرداب منیت سقوط کند. امام امت ضمن تعریف ایمان و تفاوت آن با علم می‌فرماید: «ایمان، غیر از علم است. «ایمان حظ قلب است که با شدت تذکر و تفکر و انس و خلوت با حق حاصل شود. شیطان با آنکه علم به مبدأ و معاد- به نص قرآن- داشت، در زمره کفار محسوب شد... پس اگر بخواهیم از تصرف شیطان خارج شویم و تحت پناه حق تعالی واقع شویم، باید با شدت ارتیاض قلبی و دوام توجه یا کثرت آن و شدت مراوده و خلوت، حقایق ایمانی را به قلب رسانده تا قلب الهی شود؛ و چون قلب الهی شد، از تصرف شیطان تهی و از ظلمت معصیت و طغیان، و ظلمت کدورات اخلاق رذیله، و ظلمت جهل و کفر و شرک و خودبینی و خودخواهی و خودپسندی، به نور طاعت و عبادت و انوار اخلاق فاضله، و نور علم و کمال ایمان و توحید و خدایینی و

- بود، علمش به هیچ وجه عملی نشد و راه سعادت را به او نشان نداد.... علم توحیدی که برای نمایش در محضر عوام یا علما باشد از نورانیّت عاری و بری است و غذایی است که با دست شیطان برای نفس اماره تهیه شود. خود آن، انسان را از توحید بیرون برد و به تشریک نزدیک کند.» (۲۵)
- به قلم: مصطفی محمدی**
- ۲۰- علامه طباطبایی، المیزان، ج. ۶، ص. ۱۷۳،
 ۲۱- امام خمینی، صحیفه امام، ج. ۱۹، ص. ۱۳۴،
 ۲۲- همان، ج. ۱۹، ص. ۱۳۵،
 ۲۳- امام خمینی، آداب الصلاه (آداب نماز)، ص. ۲۲۷،
 ۲۴- رک: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج. ۱۰، ص. ۶۵۵؛ علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج. ۲۰، ص. ۱۸۹،
 ۲۵- امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص. ۱۰۵،

پی نوشت ها:

- ۱- دهخدا، ذیل واژه، ج. ۱۳، ص. ۱۹۱۸۷،
 ۲- اعراف/ ۱۲،
 ۳- امام خمینی، صحیفه امام، ج. ۱۹، ص. ۱۳۳،
 ۴- امام خمینی، همان،
 ۵- محمدی گلپایگانی، جرعه ای از زلال قرآن، ج. ۴، ص. ۲۱۰،
 ۶- طبرسی، مجمع البیان، ج. ۷-۸، ص. ۴۱۵،
 ۷- ابن جوزی، زاد المسیر، ج. ۷، صص. ۲۱-۲۲،
 ۸- قصص، آیات ۷۶-۸۱،
 ۹- نازعات/ ۲۴،
 ۱۰- نازعات/ ۲۵،
 ۱۱- مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج. ۲۶، ص. ۹۵،
 ۱۲- هویدا، سقوط شاه، ص. ۷۲،
 ۱۳- همان، ص. ۱۵۶،
 ۱۴- فرمانفرمایان، خون و نفت، ص. ۱۵۳،
 ۱۵- امام خمینی، صحیفه امام، ج. ۱۵، ص. ۷۶،
 ۱۶- همان، ج. ۱۵، ص. ۷۷،
 ۱۷- همان، ج. ۱۴، ص. ۱۷۳،
 ۱۸- جائیه/ ۴،
 ۱۹- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج. ۶۷، ص. ۷۲،

فِيهِ لَئِيَّا الْمُطَهَّرَاتُ رَضِيانَةٌ لِلْمَسْكِينِ

ما احتیاج داریم به این که از این ساعات، از این روزها و شبهای پربرکت (ماه رمضان) حداکثر بهره را ببریم؛ با تقویت رابطه‌ی قلبی خودمان با عالم معنا، با عالم غیب، با ابتهال و تضرع و خشوع در مقابل رب الارباب، و با استحکام پیوند ولایت خودمان با اهل بیت (علیهم‌السلام) و این خاندان مکرم.

